مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۴۰۱ (ص ۱۰۴ – ۱۲۱)
دریافت: اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ پذیرش: مرداد ماه ۱۴۰۱

تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۵شهرتهران)

The effect of the city's body on culture with an emphasis on the urban fabric (Case study of district 15 of Tehran)

میترا عدالتی/ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی.
محمد علی ملیحی/ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی.
عبدالرضا شریفی/ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی.

Mitra Edalati/ Ph.D. student specialized in cultural management and planning.
Mitraedalati@gmail.com
Mohammad Ali Malihi/ Ph.D. student in cultural management and planning.
Abdolreza Sharifi/ Ph.D. student in cultural management and planning.

چکیده

فرهنگ به عنوان مفهومی پویا همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار داشته و عناصر شکل دهندهٔ آن بر اثر مؤلفه های گوناگون در حال تغییر هستند. در جوامع کنونی، تغییرات فرهنگی به طور واضح به چشم می‌آید و عوامل مؤثر بر این تغییرات به موضوعی بحث برانگیز تبدیل شده است؛ با توجّه به نقش و اهمیّت دانش شهرسازی در بهبود کیفیّت زندگی و ارتقای فرهنگ شهری، لزوم مطالعهٔ چگونگی تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ، به روشنی دیده می شود به دو بعد مادی و غیرمادی تقسیم شده است؛. روش تحقیق، آمیخته ای از روش های اسنادی و زمینه یابی است؛ توجّه به موضوع تحقیق برای مطالعهٔ تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ، نمونهٔ موردی به نحوی انتخاب شد که مؤلفه های کالبد شهر (متغیّر مستقل) دسته بندی شده و تأثیر آنها بر مؤلفه های فرهنگ (متغیّر وابسته) سنجیده شود؛ از سوی دیگر با توجّه به اینکه فرهنگ به عنوان یک مفهوم پویا از عامل مهم اقتصاد نیز تأثیرپذیر است، بنابراین در تهیّهٔ پرسشنامه دقت شد که از نظر کارشناسان و خبرگان در این زمینه استفاده شود که در این مورد کارشناسان مجرب واحد شهر سازی منطقه ۱۵ شهرداری تهران به تعداد ۱۶ نفر می باشند بوده است. با انجام آزمون های آماری به وسیله نرم افزار SPSS نتایج ذیل حاصل شد که عبارتند از، ارزیابی عوامل موثر بر افزایش کیفیت فضاهای عمومی

Abstract

Culture, as a dynamic concept, has always been influenced by various factors, and its forming elements are changing due to various components. In current societies, cultural changes are clearly visible and the factors affecting these changes have become a controversial issue; Considering the role and importance of urban planning knowledge in improving the quality of life and promoting urban culture, the need to study how the city's body affects culture can be clearly seen. It is divided into two material and non-material dimensions. The research method is a combination of documentation and contextualization methods; Paying attention to the topic of the research to study the effect of the city body on culture, a case sample was selected in such a way that the components of the city body (independent variable) are categorized and their impact on the culture components (dependent variable) is measured; On the other hand, considering that culture as a dynamic concept is also an important factor of the economy, so in the preparation of the questionnaire, care was taken to

شهری (دسترسی پذیری، دسترسی برای اقشار، احساس امنیت، تعاملات اجتماعی، حس مکان، کاربری‌های مختلط، آلودگی های محیط) کالبد شهر بر عناصر بیرونی فرهنگ نظیر تغییر سبک زندگی، اخلاقیات و چگونگی عمل به هنجارها و غیره تأثیر بیش تری دارد و فقط در طول زمان بر زبان فرهنگ تأثیر می گذارد.

کلیدواژه ها: فرهنگ، کالبد شهر، چهرهٔ شهر، سیمای شهر، پیکر شهر، منطقه ۱۵شهرداری تهران.

use the opinions of experts in this field. There are 16 people. By performing statistical tests using SPSS software, the following results were obtained, which are: Evaluating factors affecting the quality of urban public spaces (accessibility, access for different classes, sense of security, social interactions, sense of place, mixed uses, environmental pollution) of the city body on the external elements of culture such as lifestyle changes, ethics and how to act Norms etc. have more influence and only affect the language of the culture over time.

Keyword: culture, body of the city, face of the city, face of the city, figure of the city, District 15 of Tehran Municipality.

مقدمه

امروزه، توجه به ارزش ها در عصری که بحران کالبدی در آن بارز شده است، به عنوان جزئی لاینفک از توسعه شهری، مدنظر قرار گرفته است. شناخت و شناسایی ارزش های فرهنگی موجود در شهرها و تعمیم آن در شکل کاربری و کالبدی خاص که زاییده این ارزش ها است، امری خطیر در روند توسعه شهری خواهد بود. شهرهایی که ارزش های فرهنگی بالایی دارند، می توانند فرهنگ، پیشینه و سوابق تاریخی خود را به نمایش گذاشته و در ارتقای تصویر شهر نقش مهمی را ایفا نمایند. از دیدگاه خاص شهرسازی، مقوله کالبد، دست کم به لحاظ تسهیل در ادراک معنی محیط، در زمره یکی از مهم ترین مفاهیم کیفی در مباحث انسانی -محیطی است (دانش پور،۱۳۸۳: ۶۲) این ایده که شهرها به طور نمادین با ارزش ها، سبک های زندگی و ایده های خاصی ارتباط دارند، پیشینه ای طولانی دارد. تفسیر شهر، تولید تصاویر و داستان های جدید شهری و فرایندهای کالبدسازی، درک ما از شهرهای خاص را اصلاح می کند (هوبارد،۱۳۹۴: ۱۱۵) جامعه شهری بایستی به گونه ای باشد که شهروندان در زندگی روزمره شان نوعی تجربه منحصر به فرد مانند خلق اثر هنری به دست آورد. پیوند فرهنگ و شهر ایده تازه ای نیست آنگونه که مامفورد شهر را مکانی می داند که پیچیدگی فرهنگ در آن نمایان می شود. از نظر کیفی، در دوره معاصر، شهر مدرن، جایگزین شهر کهن شده است و این تحول نوعی انقلاب فرهنگی همه جانبه است؛ زیرا شهر کهن ایرانی عرصه تبلور فرهنگ و سنت تاریخی، باستانی و کهن ایرانی بود، جایی که اندیشه ایران شهری در آن تحقق یافته بود. اما شهر مدرن خاستگاه یا پرورشگاه فرهنگ مدرن یا تجدد است (فاضلی،۱۳۹۲: ۱۹-۱۵) به عبارت دیگر، دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی کالبد ها را در پی داشت. انسان سنتی کالبد خود را خارج از جهان مادی جستجو می کرد و انسان مدرن آمده بود تا خود را و جهان را آنگونه که می خواست بسازد. کالبد در جامعه سنتی واحد و در جامعه مدرن، متکاثر و اکتسابی است (حجت،۱۳۸۴: ۵۵و۵۸). توسط رابطه ی ادراکی که بین انسان و محیط برقرار می شود، محیط معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القا نموده و در نتیجه ارزش هایی را نیز متذکر و یادآور می شود. درحالی که در گذشته، کالبد شهر توازن و تعادل و مقیاسی انسانی و از همه مهمتر معنویتی را به انسان القا می نمود، محیط شهری امروز، القا کننده بی نظمی، فشار روانی، ناهماهنگی، بی تناسبی، زشتی و از همه بدتر سیطره مادیت و کمیت بر زندگی انسان است (نقی زاده،۱۳۸۱: ۱۵) از آنجا که کالبد فرهنگی، ویژگی اساسی ذهنیت و تفکر انسانی را می سازد، لذا این کالبد و تعلق باید در تمام سطوح بازبینی و احیا شود و شیوه های ارتقای ظرفیت های فرهنگی برای بهبود کیفیت زندگی انسانی مورد ارزیابی قرارگیرد (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۵) در واقع، شهر بدون خاطره، فاقد کالبد است و علاوه بر آن موجب می شود فرصت درک و لمس تجارب تکرار نشدنی از نسل های بعدی گرفته شود (نژاد ابراهیمی و مقدسیان، ۱۳۹۳: ۲)

بیان مسئله

در مقیاس شهر، یکی از عوامل عمده ای که امروزه شهرسازان بر آن بسیار تأکید می کنند فضای شهری به عنوان بستری برای تعامل شهروندان است. به نظر می رسد در اکثر شهرهای امروزی عدم وجود فضاهای باز شهری و مکان هایی که افراد بتوانند ملاقات و تعامل مؤثر داشته باشند موجب گسست اجتماعی و بیگانگی در شهرها شده است. از سوی دیگر به نظر می رسد در شهرهای ایران با ساخت آپارتمان های مشابه، کوچک مقیاس و بدون ارتباط، مفاهیمی مانند محله، جامعه محلی و سایر مفاهیم مرتبط با این ها، بسیار کمرنگ شده و بسیاری از آداب و رسوم از بین رفته است (خستو وحبیب،۱۳۹۵: ۳) . بدون شک تأثیر عواملی از قبیل ارتباطات و مسائل اقتصادی در این تغییرات فرهنگی دخیل بوده‌اند ولی در این پژوهش به تأثیر عوامل محیط کالبدی بر تغییر فرهنگ و به موجب آن نقش شهرسازی در این فرآیند پرداخته می شود.

یان گهل معتقد است با ورود اتومبیل به شهرها، استخوان بندی، بافت و به طورکلی کالبد شهرها به شدّت با تغییر و تحول مواجه گردید. به منظور سازگاری با تعداد و حجم اتومبیل ها معابر گسترده تر شده و سلسله مراتب خیابان ها تغییر کرد. به دنبال این تغییر، رفتار اجتماعی و فرهنگ شهروندان نیز به ناچار با دگرگونی مواجه شد؛ اگر زمانی یک خیابان اتومبیل رو به مسیر پیاده تبدیل گردد، فرصت های شنیدن و شنیده شدن برای افراد به وجود می آید؛ صدای قدم های افراد، مکالمات آن ها، صدای آب روان به جای سروصدای اتومبیل ها جایگزین خواهد شد (گهل، ۱۹۸۷: ۱۰)

از مصداق های تغییر فرهنگ در ارتباط با کالبد شهر به طور کلی می توان به تغییر در ارزش ها از درون گرایی به برون گرایی)فضای درون گرای بازار به مراکز تجاری تجملاتی برون گرا مبدل گشته)، تغییر در اعتقادات (از بین رفتن محرمیت در فضاهای معماری) تغییر در آداب و رسوم (نداشتن فضاهای تجمع و یا فضای بازی کودکان، تغییر در زبان (ورود کلمات و اصطلاحات گوناگون و حذف شدن برخی از واژه ها)، تغییر در جهان بینی (رفتن به سمت تجمل گرایی، برون گرایی به واسطه ساختمان های مجلل و با نماهای دل فریب) و غیره اشاره نمود. (خستو وحبیب،۱۳۹۵: ۴) . البته این مسأله منحصر به ایران نیست بلکه در سایر کشورها و ملل نیز مصداق دارد. بنابراین مسائل و مشکلاتی از قبیل بیگانگی افراد نسبت به یکدیگر، گسستگی اجتماعی، ناهنجاری های رفتاری، کمرنگ شدن آداب و رسوم، تغییر در ارزش ها، تجمل گرایی و سایر مشکلات فرهنگی، ضرورت پرداختن به بررسی عوامل و مؤلفه های مؤثر بر تغییرات فرهنگ را نشان می دهد. در این پژوهش سعی بر این است که برتأثیر «جنبه های کالبدی شهر بر فرهنگ» تأکید شود. و در این زمینه نمونه موردی بررسی منطقه ۱۵شهرداری تهران خواهد بود.

محققینی چون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر، لاوارکاس و لینچ اشاره می کنند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر ارتباطی غیرکلامی بیان می کند، در اصل، نمادها و سمبل های محیطی مشترک اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر، قابلیت های محیطی در تأمین و گسترش نیازهای انسانی)حس تعلق) است. در این حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت های اجتماعی و فرهنگی است. که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختار شناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می کنند و در اصطلاح، انسان ها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می کنند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۲۷و۲۶) شهر تنها در کالبد ظاهر، خلاصه نمی‌گردد. مردم در فضاهای معماری و شهری حضور یافته و با آنها زندگی میکنند. لذا نسبت به آن حس تعلق دارند. در گفتگوهای روزمره، درباره آنها صحبت می کنند، به واسطه آنها آدرس می دهند و حتی در فرهنگ عامه بر اساس آنها ضرب المثل می سازند و مفهوم های بی بدیلی را خلق می کنند. بدین ترتیب، در ذهن مردم، تصویر ذهنی ای از شهر و اجزای آن شکل می گیرد که از طریق آن شهر را درک و با آن ارتباط برقرار می نمایند (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: به نقل از لینچ، ۱۹۶۶). فرهنگ دارای ارزش های خاص خود است که این ارزش ها در ایده آل ها، تصویرهای ذهنی، طرح واره های ذهنی و معانی بازنمود یافته اند (Rapoport, 2008:19) فرهنگ، کالبد شهر و کالبد شهر دارای ارتباط تعاملی با یکدیگر هستند و هر کدام اثراتی بر یکدیگر میگذارند و اثراتی می پذیرند. کالبد شهر، علاوه بر بنا، دارای روحی است که منبعث از لایه های اجتماعی شهر شکل گرفته است. بعلاوه از آنجا که بستر ارتباطات غیر کلامی است، القای معانی و مفاهیم به ذهن را جهت داده و سبب ادراک محیط می شود. در واقع هر چه این معانی در تداعی موضوع، قوی تر باشد، عملیات رمزگشایی و ادراک محیط راحت تر خواهد بود. در همین راستا، با علم بر آنچه راپاپورت بعنوان محقق پیشگام در زمینه مطالعه توأم کالبد و فرهنگ و انسان شناسی فضاها، اشاره می دارد که آنچه -محیط کالبدی را بعنوان بستر ارتباطات غیر کلامی بیان می کند، در اصل نمادها، سمبل های محیطی مشترک اجتماعی و قابلیت های محیط در تأمین و گسترش نیازهای انسانی است (مطلبی و صداقتی،۱۳۹۹: ۴)

معرفی نمونه:

منطقه ۱۵شهرداری تهران در جنوب شرقی شهر تهران قرار داشته و با مساحتی بیش از ۳۵ کیلومتر مربع، شامل شش ناحیه و محله می باشد (مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۲). جمعیت این منطقه برابر با ۶۷۵.۸۳۷ نفر بوده که این میزان جمعیت، ۲۲۳.۳۸۲ خانوار را شامل می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹) در بررسی زمانی رشد منطقه ۱۵ نشان می دهد که گسترش بافت کالبدی این منطقه از حوالی سال های ۱۳۴۰ شروع شده و تدریجا بر سرعت آن افزوده می شود. در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز دو مرحله از گسترش شتابان و بی برنامه منطقه در سال های اولیه بعد از انقلاب ورشد تحت کنترل بعد از سال های ۱۳۷۰ رخ داده است. بدیهی است خصلت اصلی و پیوسته رشد و شکل گیری منطقه در تمام این سال ها با موقعیت حاشیه ای و دروازه ای آن پیوند داشته است. تا جائیکه این امر در تعیین کالبد و سیمای شهری منطقه نقش اصلی و قطعی پیدا کرده است. هسته های اولیه رشد منطقه از میدان خراسان و محور شوش و دسترسی به شهر ری شکل گرفته است؛ به طوریکه مساحت بافت شهری شکل یافته تا سال ۱۳۲۷ حدود ۳۸/۳۶ هکتار بوده است که با توجه به مساحت کنونی ۳۵۴۴ (هکتار) می توان گفت تا آن تاریخ تنها بیش از یک درصد بافت شهری منطقه احداث شده است . خدمات شهری و محدوده ۲۵ ساله (که بخش اعظم منطقه ۱۵ در این پهنه قرارداشته است) باعث تسریع این فرایند سکنی گزینی جمعیت و پرشدن بافت منطقه می شود. تراکم بالای جمعیت و فرسودگی زیرساخت های شهری سبب گردیده است این منطقه دارای محدوده وسیعی از بافت فرسوده باشد که عمدتا در ناحیه یک این منطقه قرار دارد.

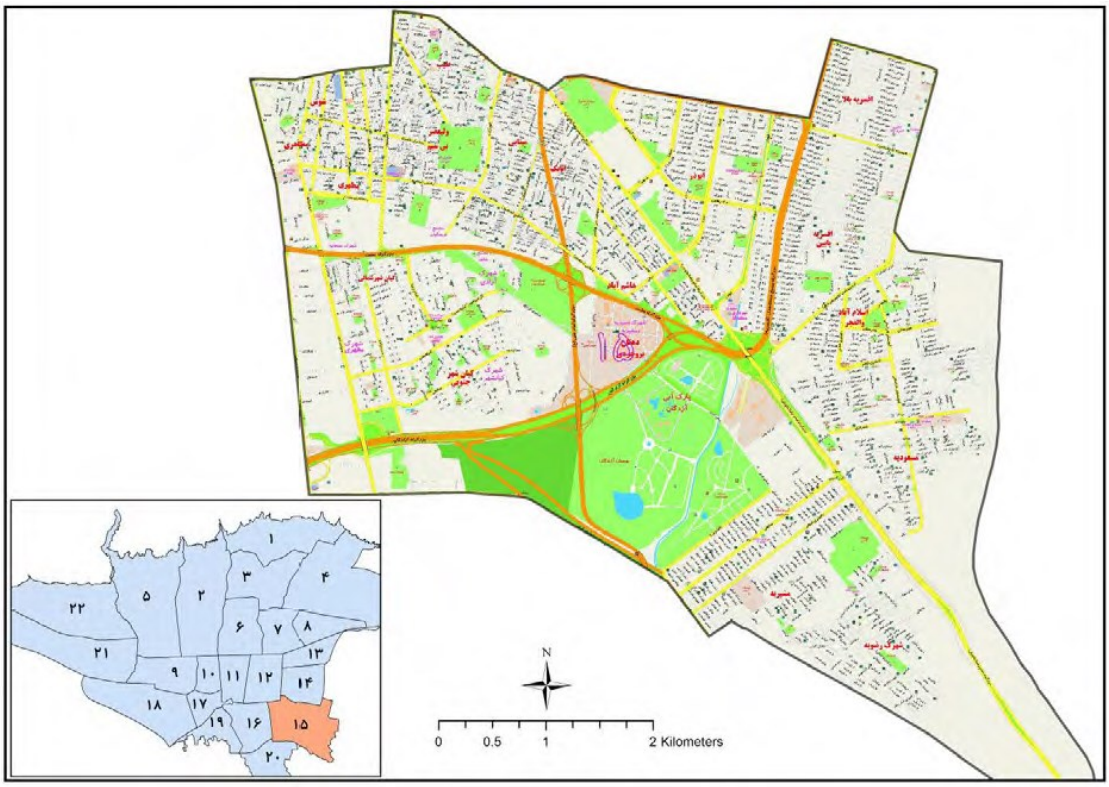

آمار جمعیتی منطقه

کل جمعیت	مرد	زن	نسبت جنسی	خانوار	بعد خانوار	مساحت منطقه بدون حریم به هکتار
۶۷۵.۸۳۷	۳۴۳.۶۳۷	۳۳۲.۲۰۰	۱۰۹	۲۲۳۳۸۲	۳.۱	۲۷۷۴

آزاد شدن محدوده حد فاصل محدوده پنج ساله خدمات شهری و محدوده ۲۵ ساله (که بخش اعظم منطقه ۱۵ در این پهنه قرارداشته است) باعث تسریع این فرایند سکنی گزینی جمعیت و پرشدن بافت کالبدی منطقه می‌شود. علیرغم این گاهی، به علت فقدان

اطلاعات آماری، امکان برآورد میزان مهاجرپذیری جمعیت منطقه در دهه ۱۳۵۰ وجود ندارد، هرچند بیشترین شدت مهاجر پذیری محدوده کنونی منطقه مربوط به همین دوره زمانی است. رشد محدوده منطقه ۱۵ شهرداری تهران طی چند دهه اخیر پیوسته جریان داشته است ودر سال های اخیر اکثرزمین های خالی سطح منطقه توسط واحدهای مسکونی اشغال شده اند.

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

فرهنگ:

رویکرد اخیر به مفهوم فرهنگ این است که فرهنگ برای گروه های مختلف در مکان های مختلف و در زمان های مختلف، معانی و ارزش های مختلفی دارد، (شکویی ۱۳۸۴، ۲۰۵) فرهنگ دربرگیرنده فعالیت های روزمره و جنبه های کالبدی می شود که در آن ها ارزش های مردم شکل می گیرد در حالی که فرایندها و چگونگی ارتباطات میان مردم شهر، خرده فرهنگ ها را شکل می دهد (Miles, 2007: 29 -30) فرهنگ نه فقط به معنای تسلط بر فنون و مهارت ها و شیوه های رایج در حوزه هنر، موسیقی و ادبیات است، بلکه شامل نحوه کوزه گری، خیاطی یا خانه سازی هم می شود. محصولات و فرآورده های فرهنگ به آثار برجسته ای چون تابلوی نقاشی هنرمندی مشهور منحصر نمی شود و حتی آوازهای خیابانی هم به اصطلاح عامیانه جز فرهنگ به حساب می آید (پهلوان،۱۳۹۰ : ۴۲) ارکان فرهنگ در جوانب عناصر شناختی، ارزش ها، باورها، هنجارها و نشانه ها قابل تقسیم بندی می نماید (محمدی اصل، ۱۳۹۱:۱۳۵) از عمده ترین ویژگی های فرهنگ این است که اکتسابی، مشترک، نمادین، دارای شمول همگانی و جامع است (Kottak, 2002: 268- 270) راپاپورت معتقد است فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم توسط فرهنگ، مجموعه ارزش ها، باورها، جهان بینی و نظام های نمادین مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای بی کالبد را به مکان تبدیل نمی کنند(حبیب، ۱۳۸۱:۱۴۶) فرهنگ عموما شامل دو گروه از پدیده ها است، پدیده های رفتاری یا مادی و پدیده های فکری یا غیرمادی. فرهنگ مادی به آن گروه از عناصر فرهنگی اطلاق می شود که به صورت مستقیم به وسیلهٔ یکی از حواس ما قابل تشخیص هستند، یعنی می توان آن ها را دید، شنید یا لمس کرد و... بنابراین هر شیء در هر فرهنگ پدیدهٔ فرهنگی خاص است. اشیا ساده ترین اشکال فرهنگ مادی هستند. از این اشکال ساده می توان به اشکال بسیار پیچیده ای رسید، همچون رفتارها که در آن ها روابط پیچیده اندامی با موقعیت های کالبدی، اشیا و وضعیت های اجتماعی پیوند می خورند، ولی همچنان بخشی از فرهنگ مادی به شمار می آیند. رفتارهای زنی روستایی برای پختن نان، فروشندهٔ لباس در فروشگاهی بزرگ یا سخنرانی استاد دانشگاه در کلاس درس همگی بخشی از فرهنگ مادی هستند. هنر یکی از بارزترین اشکال فرهنگ مادی است که امروزه شاخه ای ویژه در علم انسان شناسی به آن اختصاص دارد. ولی فرهنگ غیرمادی به پدیده هایی اطلاق می شود که مستقیماً توسط حواس قابل دریافت نیستند. شعری باستانی یا ترانه ای روستایی، خاطره، اسطوره یا افسانه، باورها و عقاید سیاسی، تفکر یا باور معنوی همگی اشکال فرهنگ غیرمادی هستند (فکوهی، :۱۳۹۱،۱۰۷) فرهنگ مادی به پدیده هایی گفته می شود که با موازین سنجشی قابل اندازه گیری هستند، مانند فن ها، ابزار تولیدی، شیمیایی و... ولی فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مواردی اطلاق می شود که با موازین کمی قابل اندازه گیری نبوده و به آسانی نمی توان با مقایسه آن ها را ارزیابی نمود، مانند زبان، باورها، هنرها و...(روح الامینی، ۱۳۸۳:۲۰) به عبارت دیگر فرهنگ مادی شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و آن چه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می شود و علاوه بر آن شیوه ها و فرایندهای ساخت آن ها می شود؛ و فرهنگ معنوی شامل ارزش ها، دیدها و باورها، اندیشه ها، دانش ها و فن ها و دین و آداب و سنن، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فرآورده های ذهنی انسان است (آشوری، ۱۳۸۰:۱۱۴) فرهنگ غیرمادی به موضوع ها و مسائلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آن ها را مقایسه و ارزیابی نمود، مانند معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات، رسوم و...، که کالبد فرهنگی جامعه را تشکیل می دهد و در نتیجه از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه ای است که قومیتّ هر گروه اجتماعی را تهدید می کند. هر فرهنگ غیرمادی تنها از طریق تبدیل به فرهنگ مادی (به شکل کامل یا جزیی)، (پایدار یا موقت)، می تواند برای افراد قابل فهم و در قالب رابطه ای فرهنگی درک و تحلیل شود. به عنوان مثال هر اسطوره باید به قصه ای مکتوب تبدیل شود تا قابل درک گردد یا هر باور، به عنوان مثال احترام به فرد مسن، باید به حرکتی مانند بلند شدن در برابر او تبدیل شود. هر پدیده فرهنگی غیر مادی

می تواند به بی نهایت شکل در قالب های مادی قرار گیرد (فکوهی، ۱۳۹۱:۱۰۸) در زمینه های فرهنگی غیرمادی، روند پذیرش دارای پیچیدگی ها و پیوستگی های روحی، عاطفی، روانی، عقیدتی و سنّتی است که به آسانی نمی توان اندازه گیری و یا با فرهنگ جامعه دیگر مقایسه نمود. پدیده هایی چون اعتقادات، نظام خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات، ذوقیات، آداب و رسوم و سنت ها از آن جمله اند (روح الامینی، ۱۳۶۸:۱۰۹)

کالبد شهر

"شکل یا فرم شهر" وسیع ترین مفهوم وابسته به شهر است که می توان گفت تقریباً دربرگیرندۀ تمام واقعیت های موجود شهر است «کلیه عناصر محیطی است که انسان به طور بالقوه می تواند در ارتباط با آن قرار گیرد» (پاکزاد،۱۳۸۶:۱۰۱) بنابراین می توان گفت تمامی اطلاعات واقعی در محیط شهر شکل شهر خوانده می شود. عناصر تشکیل دهندۀ شکل شهر می تواند مادی یا غیرمادی باشد. به همین دلیل تمامی جنبه های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی محیط یا شهر را شامل می شود.

شکل شهر در حقیقت ظرفی است که امکان می دهد فعالیت های شهری در آن به وقوع بپیوندد. از نظر برخی، مثلاً جغرافی دانان، شکل شهر فقط مورفولوژی شهر است. به این معنا که دربرگیرنده بافت کالبدی، عملکردهای اداری و صنعتی و مجموع ساختمان هایی است که معرف فضایی پدیده های شهری هستند. اگر واژه شناسی فولی را در این مورد به کار بریم، شکل شهر همان جنبه های کالبدی شهر[1]خواهد بود که خود ممکن است فضایی یا غیرفضایی باشد امروزه عمده اندیشمندان شهرسازی. "شکل شهر" را اعم از کالبد شهر می دانند. بنابراین در این پژوهش، منظور از کالبد شهر جنبه های کالبدی شکل شهراست که به طور کلی با مفاهیمی مانند ساختار کالبدی شهر، الگوی شهر و بافت شهر قابل تعریف است (بحرینی، ۱۳۸۲:۵۷) از سوی دیگر، منوچهر مزینی مظاهر بصری شهر را به دو بخش جسم و جان شهر تقسیم می کند و معتقد است برای تحلیل علمی مظاهر بصری شهر، باید نخست تحت عنوان جسمِ شهر آن چه که چهره، سیما و پیکر شهر نام نهاده شده مورد بحث قرار داده شود و سپس جانِ شهر را که اجزای آن را فعالیت های جاری شهر، خصوصیات سینتک شهر و صدا و بو نامیده است؛ این که روحیۀ شهر که متشکل از این هر شش عامل است کاملاً تبیین شود (مزینی، ۱۳۷۷ : ۵۵– ۵۶) در این پژوهش آ نچه که تحت عنوان کالبد شهر از آن نام برده می شود در واقع همان "جسمِ شهر" از دیدگاه منوچهر مزینی است. بر اساس نظریه منوچهر مزینی، در یک دسته بندی، کالبد شهر به دو دسته اصلی جسم شهر و جان شهر قابل تقسیم است که جسم شهر، خود شامل چهره، (به تعریف لینچ، ۱۳۸۵:۱۵۲–۸۹) سیما و پیکر شهر و جان شهر نیز دربرگیرنده فعالیت های جاری و خصوصیات سینتکی شهر و صدا و بو است. هم چنین در نهایت، مجموع این شش عامل را روحیه شهر می نامد.

عناصر کالبدی شهر

کالبد هر شهر از عناصری شکل گرفته که در نگرش های تخصصی مختلف، با مفاهیم متفاوتی تعریف می شوند. فضای کالبدی، شکل گرفته از روابط متقابل این عناصر وکل شکل یافته حاصل از آن در ارتباط با کنش های انسانی و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی حاصله است. با توجه به اهداف این تحقیق، عناصر اصلی زیر را در فضای کالبدی شهر می توان تفکیک کرد.

عناصر فرم

خط آسمان: فصل مشترک احجام طبیعی و ساختمان های شهر با آسمان است و قضاوت در مورد زیبایی و زشتی پیکر شهر را میسر می سازد.

نیمرخ شهر: آنچه از شهر در زمان غروب آفتاب، زمانی که نور در پشت شهر پیکر شهر قرار م یگیرد و به صورت یک سطح به دید ناظر می آید، نیمرخ شهر را مشخص می کند.

لبه ها: مرزها یا شکاف هایی که بین دو قسمت پیوسته شهر وجود دارند نظیر اختلاف ارتفاع دو قسمت مجاور، دیوارهای بلند در کنار خیابان ها یا ساختمان های ردیفی مشابه در حاشیه خیابان ها

[1] Urban Physical Aspects

حجم های پر، خالی: قطعات پر شده از فضاهای ساخته شده یا طبیعی و در مقابل آن قطعات خالی از احجام در محدوده شهر که تناوب یا تعدد آنها بر شکل و تراکم کالبد شهر تأثیر می گذارد.)ماجدی، ۱۳۸۵ : ۴۰۱).

نمادها و نشانه های شهری

فضای شهری عمدتاً با نمادها و نشانه هایی شناخته می شود که به صورت عام یا خاص شهرها را از سایر انواع سکونتگاه های بشری و هر شهر را از شهر دیگر متمایز کرده و در شکل گیری کالبد شهرها و عناصر مفهومی و ارتباطی آنها دخیل است.

پارسی معتقد است: نمادها از مهم ترین نشانه ها و عناصر فرم فضا به شمار می آیند. از آنجا که حیات مدنی مجموعه ای از نگرش ها و گرایش هایی مبین باورهای عالی انسان و مشترک جامعه بوده و آنها از طریق نظام نمادین جامعه انتقال می یابند، لذا نمادها با وجه فرمال خود صورت خارجی حیات مدنی به شمار آمده و فرم فضا را هدایت می کنند (پارسی، ۱۳۸۱ : ۴۱). بحرینی و همکاران نشانه را همان چیزی می دانند که دیده می شود اما اگر با دیدن نشانه، به مفاهیم دیگری پی برده و معانی دیگری به ذهن خطور کند، آنگاه نشانه به نماد تبدیل شده است مانند برج ایفل و برج آزادی که در ابتدا نشانه بوده اند اما به مرور زمان جنبه نمادین پیدا کرده اند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳:۱۹۸).

راه ها و گره های شهری

راه عاملی است که با معمولاً با استفاده از آن، حرکت بالفعل یا بالقوه شکل گرفته که م یتواند پیاد ه رو، جاده، خطوط زیرزمینی، تراموا یا خطوط آهن باشد (مزینی، ۱۳۸۳ : ۹۰). گره های شهری شامل تقاطع جاد ه ها و خیابا نها، میدانها یا نقاط دارای ساختمان های متراکم و عامل اجتماع مردم و فعالیت های بیشتر، هستند (ماجدی، ۱۳۸۵ : ۴۰۴).

نماهای شهری

طرح نماها از نظر مقیاس و تناسبات، شیوه، ساختمان سازی، سازه ساختما نها، مصالح ساختمانی، رنگ و میزان تبحر در ساخت که در ایجاد و تأثیر بصری نقش مؤثری دارند، در بررسی حجم ها در کالبد شهر مورد توجه قرار می گیرند. وجود نوآوری و خلاقیت در نماهای شهری می تواند چهره شهری مناسبی ایجاد کند (ادیبی سعد ی نژاد، ۱۳۹۰:۳۱).

مبلمان شهری

مبلمان شهری مجموعه ای از تجهیزات و تسهیلاتی است که کیفیت و کارآیی زندگی را در شهر و خیابان ارتقاء می بخشد. خیابان، کوچه، میدان، پارک و در کل خود شهر، خاستگاه نخستین انواع مبلمان اند. عمده ترین ویژگی مبلمان شهری کاربرد عام آن است. در این زمینه یکی از نیازهای اساسی که برای همگان مطرح شده، راحتی و آسایش شهروندان ا ست. عامل دوم کالبد بخشی در طراحی منظر شهری است که باعث ایجاد یا اصلاح فضاهای شهری می شود (درون کلایی، ۱۳۸۵: ۳۸۶).

پیشینه پژوهش

با توجّه به اینکه فرهنگ یکی از اصلی ترین مؤلفه های شکل دهنده شهرها است مطالعاتی که تاکنون در زمینه ارتباط فرهنگ و کالبد شهر انجام گرفته عمدتاً در راستای بررسی تأثیر فرهنگ بر کالبد شهر بوده است.

عده ای مانند راپاپورت[2] بر آن هستند که معماری منازل به مرور زمان بر فرهنگ ساکنان تأثیر می گذارد؛ از سوی دیگر، برخی فرهنگ ها به طور جدی در برابر تغییرات به واسطه کالبد معماری مقاوم هستند. به گفته وی خانه‌هایی که در آن ها قلمرو زن و مرد کاملاً متمایز است، پیام های متفاوتی در مورد قواعد شمول به کودکان منتقل می کند و متعاقباً مسائل متفاوتی در مقایسه با مکان‌هایی که این قواعد در آن ها وجود ندارد به کودکان خواهند آموخت؛ مثلاً در خانه های کوچک کارگری انگلیسی و حتی در

[2] Rapaport

باریادا[3] در لیمیا که کمبود فضا وجود دارد اصراری در وجود اتاق پذیرایی در جلوی خانه می بینیم. به طور هم زمان در امریکا می بینیم که هنگام بحث در مورد تاثیرات ممکن کاهش اندازه خانه چنین نتیجه گرفته میشود که اولین چیزی که باید حذف شود همان اتاق نشیمن رسمی است. اثرات چنین تصمیم ها و شیوه زندگی و ارزش‌هایی که از آنجا نتیجه می شود قابل تعمق هستند؛ هم چنین اثبات شده است که بچه هایی که در اتاق پدر و مادر می‌خوابند، متفاوت از بچه‌هایی که از کودکی اتاق خصوصی داشته‌اند پرورش می یابند. هم چنین می توان ادعا کرد که نظم یا بی نظمی، رسمی بودن یا غیررسمی بودن چنانچه برای مثال ذکر شد وجود اتاق های پذیرایی رسمی یا غیررسمی، صرف غذا در اتاق نهارخوری یا در آشپزخانه یا هر جای دیگر می تواند. در فرهنگ سازی کودکان اثر داشته باشد (راپاپورت ،۶۹ : ۱۳۸۴) ادوارد هال معتقد است رشته های اصلی یک فرهنگ همواره در تحقیقات «تمامی کالبد» یک جامعه به هم تنیده می شوند. حتی تحقیقات کمی که روی نقش محیط کالبدی بر روند فرهنگ سازی انجام شده است مثال هایی در فرهنگ های متفاوت دال بر این موضوع پیدا شده است از نظر او اگر اتومبیل را به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از شهرهای امروز و عامل شکل دهنده کالبد کنونی شهرها بدانیم، اتومبیل می تواند از این دو طریق بر فرهنگ تأثیر گذار باشد (هال، ۱۷۳ : ۱۳۸۵ و۲۱۰)

سوال ها و فرضیات تحقیق:

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال اساسی است که:

کالبد شهر بر روی فرهنگ شهر با تکیه بربافت شهری چه تأثیری میگذارد

وفرضیه اصلی تحقیق بیان میداردکه:

-تأثیر کالبد شهر بر روی فرهنگ شهری دارای رابطه معنی داری است

فضاهای شهری

به‌طور کلی فضاهای شهری به دو دسته فضای عمومی و فضای خصوصی تقسیم می‌شود. واضح است که محدوده‌ها و مکان‌هایی که برای قشری خاص و کاملا اختصاصی طراحی می‌شود، شامل فضای خصوصی هستند، مانند مسکن.این در حالی است که عرصه عمومی به نوعی یک قلمرو همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند. فضاهای عمومی، آن دسته از فضاهای هستند که «عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و... حق ورود و حضور در آنان را دارند»، فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، بازارها و مساجد. به‌عبارت دیگر، مراد از عمومی بودن فضا، حضور افراد از اقشار و سنین مختلف، و جریان داشتن فعالیت‌های متنوع اجتماعی و خدماتی در آن است. بنابراین فضای عمومی شهری، فضای باز قابل حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارایی آن نیازمند تعاملات اجتماعی و برخوردهای متنوع است.

مهم‌ترین معیاری که در ارزیابی شهرها و محیط‌های شهری باید لحاظ شود، کیفیت عرصه‌های عمومی شهری موجود در آن است. واقعیت اجتناب‌ناپذیر این است که مردم بر اساس کیفیت آنچه در پیرامون خود می‌بینند و تجربه می‌کنند، در مورد آن قضاوت می‌کنند. این دسته از فضاها علت مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبان خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند، از این‌رو افزایش کیفیت این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد. در دهه‌های اخیر که مفهوم کیفیت به ادبیات شهرسازی راه یافته است، فضاهای شهری خوب با مفهوم کیفیت مطلوب آن سنجیده می‌شود. (بنتلی.۱۹۸۵: ۴۵)

بنابراین در راستای بررسی کیفیت و سنجش فضاهای شهری، معیارها و شاخصه‌هایی طی دهه‌های قبل مطرح شده است. پیش از این گفته شد، به هر میزان که شهرها بتوانند محیط‌های عمومی مطلوب‌تری برای ساکنان شهرها ایجاد کنند تا تعامل‌های اجتماعی بهتری در آن صورت بگیرد، به همان میزان شهر از کیفیت بالاتری در شهرنشینی و سلامت روان ساکنین آن برخوردار خواهد شد. از سویی دیگر، مفهوم شهرنشین و شهروند در این مکان‌های عمومی شکل خواهد گرفت. روشن است که ایجاد آرامش، سرگرمی،

[3] Baradia

فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد، از دیگر عملکردهای فضاهای عمومی شهری است. وجود این فضاها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه‌گیری و خشونت بسیار موثر و ضروری است. به این ترتیب این فضاها می‌توانند موقعیتی برای رشد خلاقیت به‌وجود آورده و محیطی سازنده در یک مجموعه شهری باشند. (بنتلی.۱۹۸۵: ۵۶) بنابراین کیفیت مطلوب ارتباطات در این نوع مکان‌ها باعث به‌وجود آمدن شهروندان بهتر و با فرهنگ اصیل‌تری خواهد شد. با این حال، از دهه‌های گذشته که شهرسازی به‌عنوان رشته‌ای جدا از معماری ظهور کرد، این سوال به–وجود آمد که به چه طریق می‌توانیم شهرهای باکیفیت‌تری داشته باشیم؟ و از جهت دیگر چگونه می‌توانیم این کیفیت را ارزیابی کنیم؟

یکی از روش‌هایی که به‌منظور سنجش کیفیت فضاهای کالبدی شهری مورد استفاده قرار می‌گرفت، ارائه اندازه‌های مشخص با عنوان عنصرهای کیفی محیط بوده است که در نهایت با سنجش این عنصرها، به میزان مطلوب یا نامطلوب بودن محیط شهری پی می‌بردند.

کیفیت کالبدی محیط شهری و ادراک آن

کیفیت چگونگی یک چیز یا پدیده است که تاثیرات عاطفی، عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد. زمانی که پدیده خود را در معرض محیط قرار می‌دهد یا محیط خود را در معرض ادراک قرار می‌دهد، اجزایی از آن که برجسته‌تر و نیز دارای تاثیرات بیشتری است، کیفیت نامیده می‌شود اما محیط ادراک‌پذیر، آن چیزی است که در پیرامون قرار دارد و به صورت بالقوه با افراد در ارتباط است. براساس طبقه‌بندی کلی انجام گرفته محیط شهری پیرامون انسان به دو دسته موثر و بالقوه تقسیم می‌شود. محیط شهری بالقوه محیطی است که هر موجودی به صورت ناخودآگاه از آن تاثیر می‌گیرد و بر آن تاثیر می‌گذارد.

در صورتی که محیط موثر، محیطی خودآگاه است، محیطی که انسان از تاثیرات متقابل آن آگاه است و آن را به درستی درک می‌کند. آنچه در تعریف کیفیت محیط مورد توجه است، ارتباط متقابل آن با محیط موثر است. کیفیت محیط آن چیزی است که محیط به‌وسیله آن شکل پیدا می‌کند و ادراک می‌شود و چون ادراک نیازمند آگاهی و برخورد با محیط است، بنابراین آنچه مدنظر است محیط موثر است، محیطی که با ویژگی‌های خاص خود مورد توجه بوده و تاثیرات آن بر حاضران و ناظران برقرار است. از محیط‌های در دسترس و مورد استفاده، می‌توان به محیط‌های شهری اشاره کرد و در میان محیط‌های شهری فضاهای عمومی از برجسته‌ترین و پویاترین محیط‌ها است. (رفیعیان.۱۳۹۱: ۹)

بررسی کیفیت محیط‌های کنونی و مقایسه کردن با نظریه‌های کیفیت طراحی شهری، راهی است که می‌تواند منجر به داشتن فضاهای شهری مناسب‌تری بشود. از همین جهت سه مدل، یعنی «مدل لنگ»، «مدل کرمونا» و در نهایت «مدل ای ین بنتلی» را مطالعه می‌کنیم.

مدل لنگ[4]:

لنگ بر اساس سلسله مراتب نیازهای انسانی که از سوی مازلو بیان شده است، کیفیت‌های محیط را به شش قسمت دسته بندی کرده است و از آنجا که فضاهای عمومی شهری از جمله محیط‌های با اهمیت و مورد توجه در طراحی فضاها هستند، این طبقه‌بندی در این‌گونه فضاها قابل تعمیم است:

۱- کیفیت‌هایی که نیازهای فیزیولوژیکی انسان را برطرف می‌سازند.
۲- کیفیت‌هایی که نیازهای ایمنی و امنیت انسان را برطرف می‌سازند.
۳- کیفیت‌هایی که نیاز به تعلق و وابستگی را برطرف می‌سازند.
٤- کیفیت‌هایی که نیاز به عزت و حرمت را برطرف می‌سازند.
٥- کیفیت‌هایی که نیاز به خودشکوفایی را برطرف می‌سازند.
٦- کیفیت‌هایی که نیاز به ادراک و زیبایی را برطرف می‌سازند.

[4] Leng model

از جمله اشخاصی که محیط شهری را از دیدگاه نیازهای انسان مورد بررسی قرار داده است، آندره گوتن است. از دیدگاه وی بحث و مطالعه پیرامون موضوع شهرسازی منوط به بررسی نیازها و احتیاجات بشر است. گوتن احتیاجات بشر را به دو دسته نیازهای جسمانی و نیازهای روحی روانی، دسته‌بندی می‌کند. احتیاجات جسمی انسان برای زیستن، چون تنفس، تغذیه، استراحت و... باید پایه و اساس شهرسازی قرار گیرند و احتیاجات روحی و روانی انسان مانند زندگی در جمع، فراغت، تفریح، آرامش فکری و روحی، برای تامین سعادت و شناخت افکار و روحیات افراد ضروری است. از نظر وی اگر محل سکونت انسان- چه فردی و چه جمعی— با توجه به نیازمندی‌هایش ساخته شود، وسایل خوش‌زیستی او فراهم شده است.)رفیعیان.۱۳۹۱: ۱۱)

مدل کرمونا[5]:

مدل دیگری که از کیفیت محیطی ارائه شده است، مدلی است که در کتاب "مکان های عمومی، فضاهای شهری[6]" به آن پرداخته شده که متیو کرمونا درآن شش وجه مختلف کیفیت‌های محیط شهری مطلوب را بیان می‌کند. این مولفه‌ها عبارتند از:

۱. مولفه کالبدی: بیانگر کیفیت‌هایی است که به کالبد محیط مربوط هستند. قطعه‌بندی‌ها، بلوک‌بندی‌ها، کاربری زمین، الگوی مسیرها از عوامل تاثیرگذار بر کیفیت‌های کالبدی فضای شهری هستند.
۲. مولفه ادراکی: ادراک، شامل جمع‌آوری، سازماندهی و حس کردن محیط است. بعد معنایی فضا یعنی کیفیت‌هایی از فضا که بر ادراک انسان تاثیر مستقیم دارند و به تعبیری که انسان از فضا می‌کند، وابسته است.
۳. مولفه اجتماعی: شامل کیفیت‌های مثبت و منفی یک فضا از لحاظ اجتماعی است. بیانگر این مطلب است که فضا در شهر چگونه پاسخگوی حضور افراد در آن و رفتارهای متفاوت آنها به لحاظ اجتماعی است. بنابراین تاثیرات فضا در عملکرد افراد و چگونگی تنظیم و کنترل رفتار ساکنان در محیط از مباحث اصلی ابعاد اجتماعی یک مکان است.
٤. مولفه بصری: لذت دیدن فضاهای شهری از عوامل تاثیرگذار بر ادراک و فهمیدن است. این تاثیر گاهی لحظه‌ای و گاهی درازمدت است که بستگی به ویژگی خاصی دارد که از آن دیده یا ادراک شده است. بعد بصری فضا شامل کیفیت‌هایی است که با دیده شدن فضا به وسیله حاضران و ناظران، برآنها تاثیر می‌گذارد.
٥. مولفه عملکردی: از مهم‌ترین کیفیت‌های یک فضای شهری خوب، قابل دسترس بودن آن برای تمامی گروه‌هاست. همچنین وجود عملکردهای متنوع و آزادی فعالیت‌های اجتماعی قابل قبول نیز از موارد دیگری است که موجب ارتقای عملکرد محیط شهری می‌شود. بنابراین بعد عملکردی فضا مربوط به کیفیت‌هایی است که به فعالیت‌های موجود در فضا و عملکرد خود فضا وابسته‌اند.
٦. مولفه زمانی: استفاده از چرخه‌های فعالیتی و زمانی همچون زندگی در روز، شب و فصول مختلف، در بهره‌گیری ازفضاها، به طرح کمک می‌کند. بنابراین مدیریت زمانی در فضاهای عمومی از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری عملکردها و تغییرات فضایی است. (رفیعیان.۱۳۹۱: ۱۰)

مدل ای ین بنتلی[7]:

یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت‌های طراحی شهری که از سوی اهل فن ارائه شده است، مجموعه پیشنهادی گروه مطالعاتی «مرکز مشترک طراحی شهری پلی‌تکنیک اکسفورد» است. مجموعه مزبور که به‌همت «یان بنتلی» و همکارانش در کتابی تحت عنوان «محیط‌های پاسخ‌ده» تدوین و ارائه شده است، گرچه از عمق تئوریک قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیست ولی به‌واسطه جامعیت نسبی و سهولت فهم و شیوه جذاب در ارائه و تصویرپردازی به یکی از مراجع مهم مورد استفاده محافل حرفه‌ای (و نه الزاما آکادمیک) بدل شده است. آنان در وهله نخست هفت معیار و بعدها سه معیار دیگر را که بایستی در طراحی شهری رعایت گردند، به این ترتیب پیشنهاد می‌کنند:

۱- نفوذپذیری: به مفهوم تامین دسترسی ارتباط فیزیکی و بصری با نقاط مختلف.

[5] Carmona model
[6] Public places, Urban spaces
[7] Bentli model

۲- تنوع: به مفهوم حضور تنوع عملکردی، تنوع فرم‌ها و تنوع اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان‌های شهری.
۳- خوانایی: به مفهوم قابلیت ادراک و راهیابی آسان محیط به نقاط و نشانی‌های مورد نظر.
٤- انعطاف پذیری: به مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و ماوا دادن فعالیت‌های گوناگون درخود.
٥- سازگاری بصری: به مفهوم متناسب بودن خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط مزبور.
٦- غنا: به مفهوم توجه به ظرافت و ریزه‌کاری در محرک‌های حسی مختلف و نه صرفا محرک‌های بصری.
۷- قابلیت شخصی‌سازی: به این مفهوم که ساکنان و شهروندان قادر باشند به طریقی مهر خود را بر فضای شهر بزنند و به‌گونه‌ای آن را متعلق به خود و شخصی کنند.

و سه فاکتوری که بعدها اضافه شد

۸- -کارایی از نظر مصرف انرژی.
۹- -پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی‌های هوا و ...)
۱۰- -حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم‌ها و نظریات اشخاص و گروه‌های دیگر) (بنتلی.۱۹۸۵: ۹۵)

در مجموع با بررسی این سه مدل و نگاه دقیق‌تر به نظریه‌های آنان به این نتیجه می‌توان رسید که در هر سه مدل این ویژگی‌های کیفی مشترک است؛ سازگاری، نفوذپذیری، تنوع و گوناگونی، انعطاف‌پذیری، خوانایی، پایداری، کاریایی، سرزندگی و در نهایت انسان‌مداری. بنابراین می‌توان اینک با نگاهی به فضاهای موجود در شهرها و تحلیل آنها بر اساس جمع‌بندی نهایی، به یک الگوی فضاهای شهری کارا و پایدار نزدیک شد.

مقایسه تطبیقی مدلهای کیفی (مأخذ نگارندگان)

کیفیت / مدل	سازگاری	نفوذپذیری	گوناگونی اجتماعی	انعطاف پذیری	سرزندگی فرهنگی	خوانایی	تناسبات بصری	پایداری	کارایی
لنگ	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	–	–
کرمونا	✓	✓	✓	–	✓	✓	✓	✓	✓
بنتلی	✓	✓	✓	✓	–	✓	✓	بعد زمانی	

یافته های پژوهش

تحلیل توصیفی:

پژوهش حاضر براساس تدوین یک پرسشنامه ساخته پژوهش گران انجام گردیده که پایایی آن براساس آفای کرونباخ ۰/۷۶ بوده که نشان دهنده درصد بالای پایایی آن می باشد و با توجه به بررسی آن توسط اساتید دانشگاه روایی مناسبی نیز برای آن مورد تأئید قرار گرفت.

این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال بوده و هدف آن ارزیابی عوامل موثر بر افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری)دسترسی پذیری، دسترسی برای اقشار، احساس امنیت، تعاملات اجتماعی، حس مکان، کاربری های مختلط، آلودگی های محیط) می باشد. طیف نمره گذاری این پرسشنامه از نوع لیکرت پنج گزینه ای بوده که در جدول زیر گزینه ها و امتیازات مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه گردیده است:

جدول گزینه ها براساس سیستم لیکرت

گزینه	بسیار کم	کم	معمولی	مطلوب	بسیار مطلوب
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵

البته این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات شماره ۹، ۱۱، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، و ۲۵ معکوس شده و به صورت زیر در خواهد آمد:

گزینه	بسیار کم	کم	معمولی	مطلوب	بسیار مطلوب
امتیاز	۵	۴	۳	۲	۱

این پرسشنامه دارای ۷ بعد بوده که در جدول زیر ابعاد و شماره سوالات مربوط به هر بعد ارائه گردیده است:

سنجه ها	شماره سوال ها
دسترسی پذیری	۱-۴
دسترسی برای اقشار	۵-۷
احساس امنیت	۸-۱۱
تعاملات اجتماعی وفرهنگی	۱۲-۱۴
حس مکان	۱۵-۱۶
کاربری های مختلط وفرهنگی	۱۷-۲۰
آلودگی های محیط	۲۱-۲۵

برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به تک تک سوالات آن بعد را با هم محاسبه نمائید. امتیازات بالاتر در هر بعد، نشان دهنده تاثیر بیشتر آن بعد بر افزایش کیفیت فضاهای شهری از دیدگاه فرد پاسخ دهنده خواهد بود و برعکس.

روایی و پایایی

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی روایی عاملی این مقیاس تایید گردید و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد بالاتر از ۰/۷۶ به دست آمد که ضریب مطلوبی برای این پرسشنامه محسوب می شود.

درصدهای حاصل از پرسشنامه براساس نظر خبرگان وکارشناسان

ردیف	مفاهیم وپرسش ها	۱	۲	۳	۴	۵	جمع
۱	دسترسی پذیری	٪۳	٪۷	٪۱۰	٪۲۲	٪۵۸	٪۱۰۰
۲	دسترسی برای همه اقشار	٪۵	٪۸	٪۴۷	٪۲۸	٪۱۲	٪۱۰۰
۳	احساس امنیت	٪۳	٪۱۴	٪۱۸	٪۲۲	٪۴۳	٪۱۰۰
۴	تعاملات اجتماعی وفرهنگی	٪۱۰	٪۱۷	٪۳۷	٪۱۵	٪۲۱	٪۱۰۰
۵	حس مکان	٪۴	٪۸	٪۲۸	٪۳۹	٪۲۱	٪۱۰۰
۶	کاربری های مختلط وفرهنگی	٪۴۵	٪۱۲	٪۲۱	٪۱۳	٪۹	٪۱۰۰
۷	آلودگی های محیط	٪۹	٪۱۴	٪۳۹	٪۲۵	٪۱۳	٪۱۰۰

براساس نظر کارشناسان فضای شهری منطقه در خصوص آلودگی های محیطی بیشترین تأثیر منفی و دسترسی پیذیری بیشترین تأثیر مثبت را در کالبد شهری داشته است و در خصوص سنجه کاربری های مختلط و فرهنگی نیز رابطه معنا داری بین این مؤلفه و کالبد شهر وجود دارد. نمودار راداری سنجه ها نیز باز گو کننده این روابط معنا دار بوده و حکایت از تأثیر گذاری مستقیم کالبد بر فرهنگ شهردارد.

تحلیل های توصیفی براساس نمودارهای رتبه ای، ستونی و راداری وآرایه های مربوط به هریک در ادامه پژوهش آمده است.

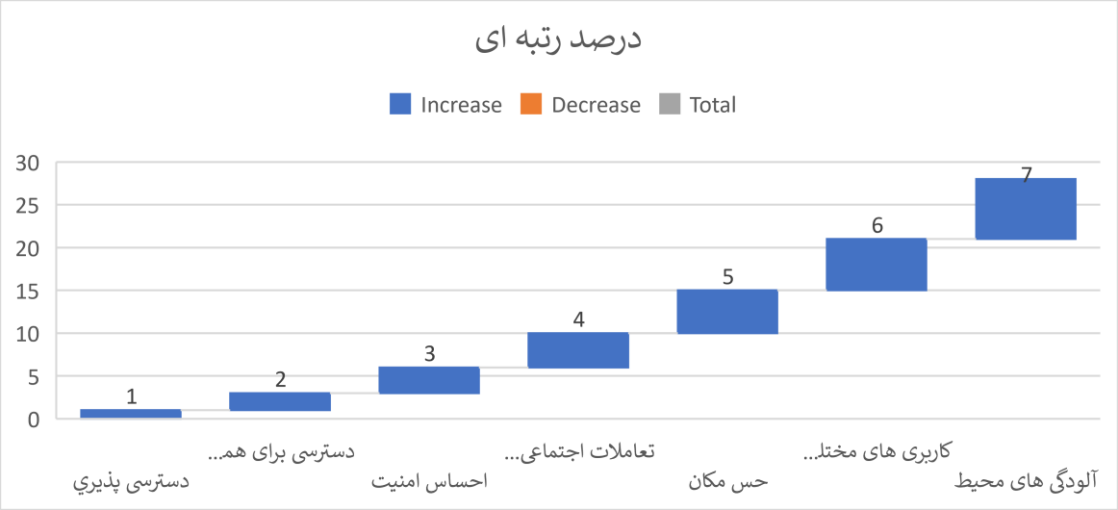
درصد رتبه ای
Increase
Decrease
Total
30
25
20
15
10
5
0
1
2
3
4
5
6
7
دسترسی پذیری
دسترسی برای هم...
احساس امنیت
تعاملات اجتماعی...
حس مکان
کاربری های مختل...
آلودگی های محیط

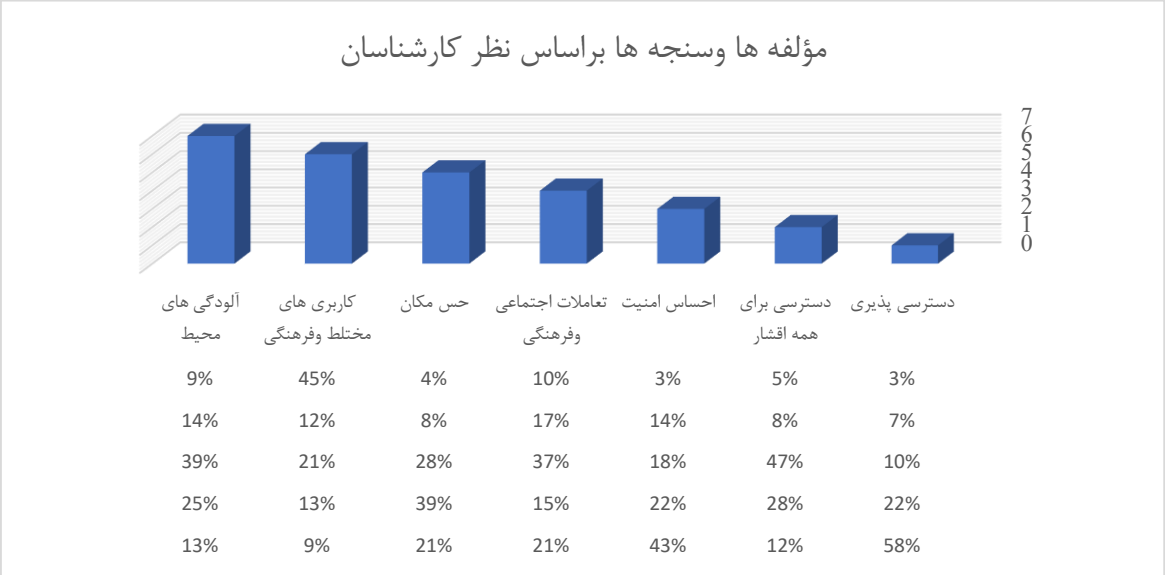
مؤلفه ها وسنجه ها براساس نظر کارشناسان
7
6
5
4
3
2
1
0
آلودگی های محیط
کاربری های مختلط وفرهنگی
حس مکان
تعاملات اجتماعی وفرهنگی
احساس امنیت
دسترسی برای همه اقشار
دسترسی پذیری
9% 45% 4% 10% 3% 5% 3%
14% 12% 8% 17% 14% 8% 7%
39% 21% 28% 37% 18% 47% 10%
25% 13% 39% 15% 22% 28% 22%
13% 9% 21% 21% 43% 12% 58%

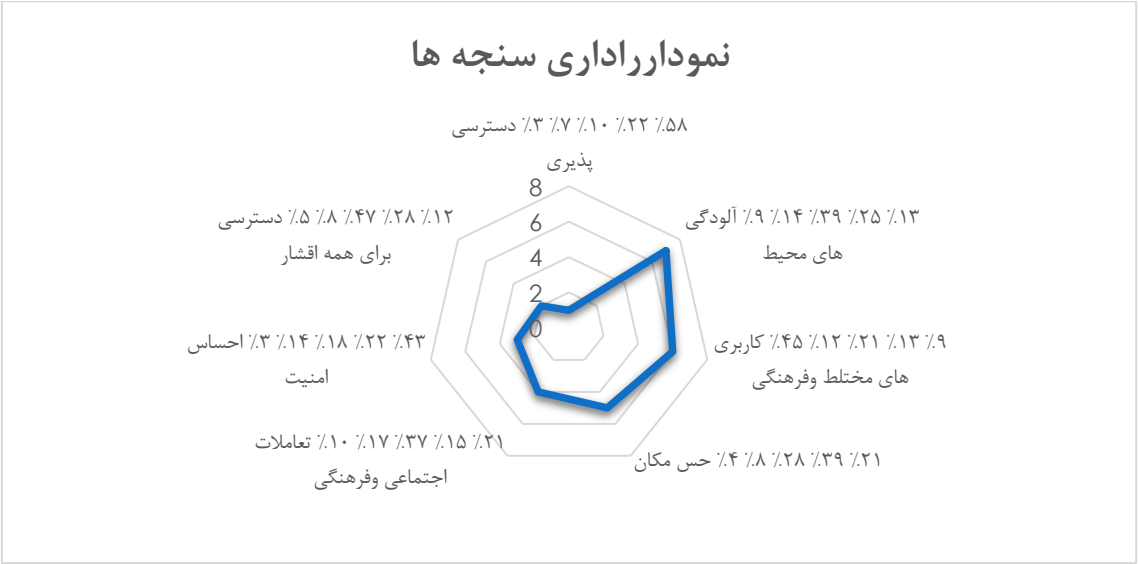
نمودارراداری سنجه ها
۵۸٪ ۲۲٪ ۱۰٪ ۷٪ ۳٪ دسترسی پذیری
۱۳٪ ۲۵٪ ۳۹٪ ۱۴٪ ۹٪ آلودگی های محیط
۹٪ ۱۳٪ ۲۱٪ ۱۲٪ ۴۵٪ کاربری های مختلط وفرهنگی
۲۱٪ ۳۹٪ ۲۸٪ ۸٪ ۴٪ حس مکان
۲۱٪ ۱۵٪ ۳۷٪ ۱۷٪ ۱۰٪ تعاملات اجتماعی وفرهنگی
۴۳٪ ۲۲٪ ۱۸٪ ۱۴٪ ۳٪ احساس امنیت
۱۲٪ ۲۸٪ ۴۷٪ ۸٪ ۵٪ دسترسی برای همه اقشار
8
6
4
2
0

تحلیل آماری

بر اساس تحلیل آماری که برمبنای نرم افزار SPSS انجام گردیده است نتایج ذیل بدست آمده و با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون جهت مقایسه متغیر وابسته با متغیر مستقل استفاده شده است

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	دسترسی پذیری	۰/۱۴۵	۰/۰۰۵

بین فضای کالبدی وبافت شهر و دسترسی پذیری رابطه معنا داری وجود دارد(p <۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و دسترسی پذیری تأیید می شود.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	دسترسی برای همه اقشار	۰/۰۸۴	۰/۱۰۳

بین فضای کالبدی و بافت شهر و دسترسی برای همه اقشار رابطه معنا داری وجود ندارد(p >۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و دسترسی پذیری تأیید نمی شود

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	احساس امنیت	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰

بین فضای کالبدی وبافت شهر و احساس امنیت رابطه معنا داری وجود دارد(p <۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و احساس امنیت تأیید می شود

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	تعاملات اجتماعی وفرهنگی	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰

بین فضای کالبدی وبافت شهر و تعاملات اجتماعی وفرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد(p <۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و تعاملات اجتماعی وفرهنگی تأیید می شود.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	حس مکان	۰/۱۶۰	۰/۰۰۵

بین فضای کالبدی و بافت شهر و حس مکان رابطه معنا داری وجود دارد (p <۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و حس مکان تأیید می شود

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	کاربری های مختلط وفرهنگی	۰/۱۴۶	۰/۰۰۳

بین فضای کالبدی و بافت شهر و کاربری های مختلط و فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد(p <۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیر کالبدشهر و کاربری های مختلط وفرهنگی تأیید می شود.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فضای کالبدی شهر	آلودگی های محیط	۰/۰۳۷	۰/۴۶۹

بین فضای کالبدی و بافت شهر و آلودگی های محیط رابطه معنا داری وجود ندارد)p >۰/۰۵) بنابراین رابطه بین متغیرکالبدشهر و آلودگی های محیط تأیید نمی شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

اصولاً رشد شهرنشینی و توسعه ساخت وسازهای شهری تبعات مختلف و خاصی ازجمله تغییر چهره شهرها و به ویژه تغییر کالبد شهری در پی داشته است. البته به موازات این موضوع، تنوع و پراکندگی تحت تأثیر زمینه های فرهنگی، قومی و اقلیمی، به ویژه مدرن شدن جامعه ایرانی در چهار دهه اخیر و مستحیل شدن تدریجی مهاجران در فرهنگ شهری، مقوله گسست شهر قدیم و شهر جدید و... علاوه بر اینکه زیست شهری، شیوه زندگی و الگوی کنش روابط اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده، این روند به ویژه در کلان شهرها باعث تغییر زندگی شهری در فضا و زمان در تغییر کالبدی و فرهنگی شهری؛ شهروندان شده است. در کنار این مباحث سه عامل عمده کالبد بخشی شهری عبارت بودند از: کالبد کالبدی، کالبد بصری و کالبد شناختی. یا در یک تقسیم بندی دیگر چهار بعد اساسی نمایانگر کالبد کلی شهر عبارت اند از

بعد اول: کالبد محیطی، اکولوژیک محیط طبیعی با ویژگیهای خود ساختار محیطی را شکل میدهد

بعد دوم: کالبد اجتماعی فرهنگی، فرد با حضور و رشد یافتن در جمع با اخذ ویژگی های آن جامعه فرهنگ کالبد جمعی مییابد.

بعد سوم: کالبد اقتصادی، پایه های اقتصاد شهری، جایگاه شهر را در سلسله مراتب سازمان فضایی شبکه سکونتگاهی و ارتباط آن را با سایر شهرها تعریف میکند

بعد چهارم: کالبد فضایی، بافت و ساختار وشکل شهر و ساخت اصلی به آن کالبد وابسته است

همانطوری که قبلاً اشاره شد به دلیل متأثرشدن از اندیشه ها؛ عقاید، باورها، فعالیتها و سطح فرهنگ جامعه، مهمترین ابعاد کالبدی شهرهاست. بر این اساس نتایج مطالعه کالبد شهری از منظر شهروندان تهران نیز بازنمایی و مؤید این مهم است، بنابراین با توجه به این نتایج می توان دریافت که کالبد شهری در چارچوب فرهنگ شهری که برخاسته از رفتارهای اجتماعی در ادوار تاریخ و روند رویدادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... یک شهر و یا کشوراست، ایجاد می شود و یک محیط شهری با «رابطه فرد با محیط و محل زندگی» فرهنگ خود یک کالبد شهری را می سازد. چراکه کالبد معلول فرهنگ خود شهروندان است و از سویی کالبد شهر زمانی معنادار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک شهر و درواقع کالبد بیرونی فیزیک شهر نمادی از کالبد شهری باشد. از سوی دیگر نشانه ها عواملی در تشخیص کالبد شهر به شمار می آیند؛ بنابراین سمبل ها و نشانه ها در بناهای تاریخی یا معاصر به واسطه فرم و تضاد با پیرامون، قدمت و دیده شدن دوردست، خاطرهای در ذهن ناظر ایجاد می کند همچنین در کنار این مباحث شاید بتوان گفت عامل دلبستگی شهروندان به شهرها تنها ویژگی های اقتصادی و جغرافیایی نیست، بلکه کالبد و زیبایی ها و کیفیت های بصری است. از همین رو در طراحی شهرها و نمادهای شهری ویژگی های اقلیمی، کالبدی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و... را موردتوجه قرارمی دهند و برای ایجاد تمایز شهرها و تقویت کالبد مکانی علاوه بر ایجاد تمایز از طریق نمادها و المان های شهری (عناصر شهری) نشانه ای از کالبد بومی آن مکان را هم در سایر از نگاه شهروندان یکی «هنر زیباشناسی» عناصر شهری مدنظر قرار می دهد. در همین راستا از مهمترین عناصر تشکیل دهنده کالبد شهری تهران بوده است. از سوی دیگر المان های شهری (عناصر شهری) نیز نمادهایی هستند که در عین بیجانی و بی روحی به فضاهای شهری جان و روح می بخشند و جنبه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی را در خود می پرورانند و به دلیل فرم و عملکرد خاص خود زبان ناطق کالبد شهر هستند و به ثبت خاطرات و تعامل در اذهان کمک میکنند. درواقع خاطرهای جمعی و فردی ناشی از کالبد و معیارهای فرهنگی است که از طراحی المان ها (عناصر) و نشانه های شهری ایجاد و به نسل های بعد منتقل می شود و به حفظ و ماندگاری کالبد شهروندان و غنای شهری که نقش مؤثری در حفظ کالبد شهری دارد، کمک شایانی می کند. نمادهای مطلوب علاوه بر بومی کردن فضای شهرها، تقویت احساس، تعلق خاطر به محل سکونت و ترغیب شهروندان به مشارکت در اداره امور شهرشان، کمک شایانی هم به شناساندن در سطح ملی و بین المللی کرده و به توسعه ساختمانهای شهر کمک میکند . درمجموع توجه به عناصر تشکیل دهنده کالبد شهری ضمن اینکه

منجر به احساس تعلق به شهر، افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و کاهش آسیب های اجتماعی میشود؛ در بهینه سازی و تأمین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش تنش های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان نیز نقش بسیار مؤثری ایفا می کند، بنابراین می توان گفت بین کالبد و فرهنگ یک تعامل سازنده وجود داردجلوگیری از ساختمانهای جدید با مصالح ناهمگون در محله به خصوص در اطراف بناهای باارزش.

به طور کلی نتیجه اصلی این پژوهش این است که فرهنگ به عنوان یک مفهوم بسیار وسیع، کالبد شهر را نیز در دل خود جای می دهد و ارتباط دو سویه فرهنگ و کالبد شهر بدیهی است؛ با توجّه به گستردگی مفهوم "کالبد شهر"، مطالعه تأثیر نوع بافت بر عناصر فرهنگ منطقی به نظر می رسد. هما نگونه که گفته شد در ارتباط با رابطه بافت شهر و فرهنگ این نتیجه حاصل گردید که رابطه معناداری میان تأثیر بافت بر اعتقادات برقرار است ولی عناصر بیرونی فرهنگ بیش تر از عناصردرونی آن تحت تأثیر کالبد شهر قرار می گیرند و هم چنین باحرکت از بافت تاریخی به بافت نوساز و مدرن از تأثیر بافت محل سکونت بر اعتقادات کاسته می شود. عناصر درونی فرهنگ کمتر از عناصر بیرونی آن تحت تأثیر کالبد هستند و همیشه برای عدم تغییر آ نها مقاومت وجود دارد. نوع بافت های مختلف بر تجربه افراد در تاثیری که سیمای شهر بر روی ارزشها یا هنجارهای آنها گذاشته، متفاوت است. زبان فرهنگ بیش تر تحت تأثیر گذشت زمان از عناصر کالبد شهر تأثیر می پذیرد و در یک دوره زمانی در محلات مختلف تغییر چندانی ندارد. این تفاوت و شدت تأثیر به ترتیب هرچه قدر از بافت های تاریخی، قدیمی، دور شده و به بافت میانی و سپس مدرن نزدیک تر می شویم کاسته می شود. در مقایسه با بافت های تاریخی و قدیمی، در بافت های مدرن و سپس میانی شهر مردم کمتر متاثر از چهره شهر، واژگان خود را تغییر داده اند. با توجّه به نتایج مشاهدات و تحلیل کیفی پرسشنامه ها، ارتباط کیفی مؤلفه ها و شاخص های فرهنگ در چهارچوب چهره، سیما و پیکر شهر در بافت شهری منطقه ۱۵ شهرداری تهران نشان داده شده است. بسیاری از مؤلفه های فرهنگ ایرانی به واسطه تغییر محیط کالبدی دچار تغییر شده که اغلب آنها در جهت مثبت نبوده است؛ از نمونه های بارز این تغییرات می توان کمرنگ شدن آداب و رسوم ایرانی، از بین رفتن بازی های ایرانی، کم شدن صمیمیت همسایگان، تغییر در ارزش ها و غیره را نام برد که متاثر از ایجاد فضاها و مفاهیم جدید مانند آپارتمان، از بین رفتن فضاهای عمومی شهری و غیره است. با اینکه تأثیر مستقیم و زیاد عناصر قدرتمندی مثل اقتصاد و رسانه بر ایجاد تغییرات فرهنگی کاملاً واضح است ولی تأثیر کالبد شهر نیز به عنوان ظرفی که کنش های فرهنگی را در خود جای می دهد کاماً قابل تامل است. در وضعیتی که شرایط اقتصادی و نوع رسانه ها ثابت باشد، فرهنگ می تواند تحت تأثیر از بافت شهر دچار تغییر و تحول گردد. از سوی دیگر خود مفهوم فرهنگ با وسعتی که دارد شامل عناصر گوناگون می شود که هر کدام به عنوان مظروفی به گونه ای متفاوت از عناصر کالبد شهر (مظروف) تأثیر می گیرند

پیشنهادات:

۱. حفظ خط و فرهنگ و زبان فارسیدرالمان های شهری.
۲. تقویت فعالیت های جذاب فرهنگی به صورت خودجوش یا سازمان یافته برای جذب دیگران.
۳. تنوع در انواع کاربری ها به نحویکه جاذب گروه های مختلف اجتماعی، سنی و ... باشد.
۴. ساماندهی کاربری های اوقات فراغت)پارک ها رستوران ها خانه های فرهنگی موزه ها و...)
۵. حفظ و تقویت کارکردهایی که متناسب با تصویر ذهنی شهروندان از آن فضا باشد.
۶. تقویت فعالیتهای گوناگون ولی مکمل یا سازگاربا فرهنگ عمومی.
۷. ایجاد و بسترسازی مشارکت آحاد شهروندان تهرانی در حوزه ی تصمیم گیری در سطح مناطق و نواحی محل سکونت خود. با توجه به نوسازی و مدرنگرایی در بافتمنطقه۱۵ شهری تهران،
۸. ایجاد سازگاری بین بافتهای مدرن شهری)عینیت) با ذهنیت شهروندان منطقه۱۵تهران ضروری است.

منابع

[۱] رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴)، فضاهای عمومی شهری :بازنگری و ارزیابی کیفی.نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳.

[۲] راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگیمعماری، ترجمه صدف ال رسول و افرا بانک،فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

[۳] راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسانشناسی و فرهنگ.

[۴] راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در:. فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲

[۵] راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسا نشناسی و فرهنگ.

[۶] راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله همگنی یا ناهمگنی در محل ههای شهری، ترجمه شبنم اسماعیلی، سایت انسا نشناسی و فرهنگ.

[۷] راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتم عهای زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.

[۸] راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسا نشناسی مسکن،ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند

[۹] پاکزاد،جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری.

[۱۰] لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریهٔ معماری، نقش علوم رفتاری در محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

[۱۱] تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشرخاک.

[۱۲] پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۳)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران،، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری.

[۱۳] گلکار،کوروش (۱۳۷۸)، کندوکاوی درتعریف طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

[۱۴] لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

[۱۵] بنتلی، ای ین (۱۳۸۲)، محیط های پاسخده، ترجمه :مصطفی بهزادفر، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

[۱۶] گوتن، آندره (۱۳۵۸)، شهرسازی در خدمت انسان،ترجمه هوشنگ ناقی، انتشارات دانشگاه ملی.

[۱۷] گلکار، کورش (۱۳۸۰)، مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفه شماره ۳۲.

[18] Carmona, Mathew, (2006). “Public Places,Urban Spaces”, Architectural, Elsevier, Oxford.

[19] Canter, David, (1977). “The Psychology of Place”, London: Architectural Press.

[20] Gehl, J. (1987). “Life Between Buildings”, Using Public Space, Van Nostrand Reinhold, New York. Architectural Press, Oxford.

[21] Gosling, D. and Maitland, B. (1984). “Concepts of Urban Design”, Academy Editions, London.

[22] Jacobs, J. (1961). “The Death and Life of Great American Cities”, Random House, New York.

[23] Lawson, Brian (2001). “The Language of Space”, Architectural press, London.

[24] Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kamino, R. (1983). “Place-identity: physical world socialization of the self”, Journal of Environmental Psychology, vol 3, pp 57-83.

[25] Norberg- Schulz, Christian (1980b). “Genius Loci: Towards a new Phenomenology of Architecture”, London: Academy Editions.

[26] Rapaport, Amos (1977). “Human Aspects of Urban Form”, New York: Pergamon.

[27] Tuan, Yi-Fu (1974). “Topophilia”, Englewood Cliffs: Prentiss-Hall.

[28] Zuker, Paul, (1970). “Town and Square; From the Agora to the Village Green”, The MIT Press, Massachusetts.

[29] DETRT(2000), By Design, Urban desaign in Planning System: towards better practice. Commission for

[30] Architecture & Built Environment. London.
[31] Carmona, Matthew and Heath,Tim (2003),Public places, Urban spaces.Architectural press.
[32] Punter,J and Carmona, Matthew,(1997)The Design dimension of Planing/E & FN SPON.
[33] Larice, Michel,(2007), The Urban Design Reader. Routledge. New York.
[34] www.pps.org(2009)